

A Stroke of Luck: 4 Idioms About Chance

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

51 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

Julia, did you see that?

.....

جولیا، دیدی چه شد؟

My first bowling ball, and every pin fell over!

.....

اولین توپ بولینگم بود و همه پین‌ها افتادند!

That was impressive, Martin.

.....

خیلی چشمگیر بود، مارتین.

Have you discovered a hidden talent, or is it beginner's luck?

.....

استعداد پنهانی کشف کرده‌ای یا فقط شانس تازه‌کارهاست؟

I was about to order a professional bowling shirt.

.....

داشتم می‌رفتم پیراهن یک بازیکن حرفه‌ای بولینگ سفارش بدهم.

Perhaps wait for the second ball.

.....

شاید بهتر باشد تا پرتاب دوم صبر کنی.

Welcome to Your English Toolbox.

.....

به Your English Toolbox خوش آمدید.

I am Martin, here with Julia, and today we have four idioms about luck.

.....

من مارتین هستم، با جولیا همراه شما هستم و امروز چهار اصطلاح درباره شانس داریم.

They continue lesson fourteen of our free Idiom Toolbox course.

.....

این اصطلاح‌ها ادامه درس چهاردهم دوره رایگان Idiom Toolbox هستند.

First, let me tell you how we got here.

.....

اول بگذار بگویم چطور به اینجا رسیدیم.

The bowling alley was fully booked, but another group cancelled just as I called.

.....

سالن بولینگ کاملاً رزرو شده بود، اما درست وقتی تماس گرفتم، گروه دیگری رزرو خود را لغو کرد.

What a stroke of luck!

.....

چه خوش‌شانسی‌ای!



A stroke of luck is an unexpected piece of good fortune.

A stroke of luck یعنی یک اتفاق خوب و غیرمنتظره.

Something helpful happens, without being part of your careful plan.

چیز مفیدی رخ می‌دهد، بدون اینکه بخشی از برنامه دقیق تو بوده باشد.

Finding those last two places was a stroke of luck.

پیدا شدن آن دو جای آخر یک خوش‌شانسی بود.

You can have a stroke of luck, or say that something was a stroke of luck.

می‌توانی بگویی have a stroke of luck یا بگویی چیزی a stroke of luck بوده است.

It describes a fortunate event, not somebody's whole personality.

این عبارت یک اتفاق خوشایند را توصیف می‌کند، نه کل شخصیت کسی را.

And my amazing first ball brings us to beginner's luck.

و اولین پرتاب عالی من ما را به beginner's luck می‌رساند.

That means unexpected success when you try something for the first time.

یعنی موفقیت غیرمنتظره وقتی کاری را برای اولین بار امتحان می‌کنی.

You won your first game, perhaps because chance helped you.

اولین بازیات را بردی، شاید چون شانس کمکت کرد.

But calling it beginner's luck could sound as if you are dismissing my skill.

اما اگر اسمش را شانس تازه‌کار بگذاری، ممکن است انگار مهارت من را نادیده می‌گیری.

Exactly, so tone matters.

دقیقا، پس لحن مهم است.

You can use it playfully about yourself: maybe it was just beginner's luck.

می‌توانی با شوخی درباره خودت بگویی: شاید فقط شانس تازه‌کارها بود.

I will remember that if my next ball goes into the gutter.

اگر توپ بعدی‌ام وارد شیار کنار مسیر شود، این را یادم می‌ماند.

Our third idiom describes a more difficult situation: down on your luck.

اصطلاح سوم ما موقعیت دشوارتری را توصیف می‌کند: down on your luck.

It means going through a period of bad fortune, often with money or work.

یعنی گذراندن یک دوره بدشانسی، اغلب در زمینه پول یا کار.

For example, my neighbour lost some work and has been down on his luck lately.

مثلا همسایه‌ام بخشی از کارش را از دست داده و این روزها بدشانسی آورده است.



That does not mean he is lazy or a bad person.

این به معنی تنبل بودن یا بد بودن او نیست.

Use the phrase with care and sympathy, not as an insult.

این عبارت را با دقت و همدلی به کار ببرید، نه برای توهین.

It describes a period somebody is experiencing.

این عبارت دوره‌ای را توصیف می‌کند که کسی در حال گذراندن آن است.

Our final expression is the luck of the draw.

آخرین عبارت ما the luck of the draw است.

That means an outcome depends on chance, rather than a choice you control.

یعنی نتیجه به شانس بستگی دارد، نه به انتخابی که در کنترل توست.

At our bowling evening, teams were chosen by pulling names from a bag.

در شب بولینگ ما، تیم‌ها با بیرون کشیدن نام‌ها از یک کیسه انتخاب شدند.

I got the most experienced teammate, purely through the luck of the draw.

باتجربه‌ترین هم‌تیمی کاملاً از روی شانس نصیبم شد.

The phrase does not have to describe a literal draw.

این عبارت لزوماً درباره یک قرعه‌کشی واقعی نیست.

But the situation must involve chance, not just a result you dislike.

اما موقعیت باید عنصر شانس داشته باشد، نه اینکه فقط نتیجه‌ای باشد که دوستش نداری.

Let us check the differences.

بیا ببینیم تفاوت‌ها را بررسی کنیم.

A sold-out event suddenly has a spare ticket when you arrive.

وقتی به یک برنامه با بلیت‌های تمام‌شده می‌رسی، ناگهان یک بلیت اضافه پیدا می‌شود.

What a stroke of...?

?...What a stroke of

Luck.

Luck، یعنی شانس.

You win your very first game, and joke that chance helped you.

اولین بازی عمرت را می‌بری و به شوخی می‌گویی شانس کمکت کرده است.

Beginner's luck.

Beginner's luck، یعنی شانس تازه‌کارها.



Someone has had a difficult few months and cannot find steady work.

.....
کسی چند ماه سخت را گذرانده و نمی‌تواند کار ثابتی پیدا کند.

They have been down on their luck.

.....
They have been down on their luck، یعنی دوره بدشانسی داشته‌اند.

Finally, your seat is assigned randomly, and you get a wonderful view.

.....
در آخر، صندلی‌ات تصادفی تعیین می‌شود و منظره فوق‌العاده‌ای داری.

That is the luck of the draw.

.....
That is the luck of the draw، یعنی نتیجه شانس و قرعه است.

Which expression fits something that has happened to you?

.....
کدام عبارت با اتفاقی که برای تو افتاده جور درمی‌آید؟

Practise all four with lesson fourteen and the episode resources on our website.

.....
هر چهار اصطلاح را با درس چهاردهم و منابع اپیزود در وبسایت ما تمرین کنید.

The link is in the description.

.....
پیوند در توضیحات است.

Now, watch my second bowling ball.

.....
حالا پرتاب دوم مرا تماشا کن.

Perhaps keep that professional shirt in the shopping basket for now!

.....
شاید بهتر باشد فعلاً آن پیراهن حرفه‌ای را در سبد خرید نگه داری!

